

مفروضات - مسألهء جبر و اختيار

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مسأله جبر و اختيار - مفروضات - اثر حضرت عبدالبهاء -

بر اساس نسخه طبع سنهء ۱۹۰۸ م

سؤال

انسان آیا در جمیع اعمال خویش فاعل مختار است یا مجبور بی اختیار؟

جواب

این مسأله از امّات مسائل الهیه است و بسیار غامض است ان شاء الله روزی دیگر از بدایت مباشرت نهار به بیان این مسأله مفصل پردازیم . حال مختصر چند کلمه بیان میگردد و آن اینست که اموری که در تحت اختیار انسان است مثل عدل و انصاف و ظلم و اعتساف ، مختصراً اعمال خیریه و افعال شریه ، این واضح و مشهود است که اراده انسان در این اعمال مدخلی عظیم دارد و اما اموریست که انسان بر آن مجبور و مشهور است مثل خواب و ممت و عروض امراض و انحطاط قوی و ضرر و زیان این امور در تحت اراده انسان نیست و مسؤول از آن نه زیرا مجبور بر آنست . اما در اعمال خیریه و افعال شریه مخیر است و باختیار خویش ارتکاب آن نماید . مثلاً اگر خواهد بذکر خدا مشغول گردد و اگر خواهد بیاد غیر مألوف شود ممکن است که از نار محبّه الله شمع برافروزد و میسر است که محبّ عالم گردد و یا مبغض بنی آدم شود و یا بحبّ دنیا پردازد و یا عادل شود و یا ظالم گردد این اعمال و افعال در تحت تصرف خود انسانست لهذا مسؤول از آن . اما مسأله دیگر در میانست و آن اینکه بشر عجز صرف است و فقر بحت توانائی و قدرت مخصوص حضرت پروردگار است و علو و دنو بسته بمشیت و اراده جناب



ORIGINAL



AUDIO

کبریا چنانکه در انجیل مذکور که خداوند مانند کوزه گر قدحی عزیز بسازد و ظرفی ذلیل صنعت نماید حال ابریق ذلیل حق ندارد که اعتراض بر کوزه گر نماید که ، چرا مرا جام عزیز نساختی که از دست بدست می‌گردد؟ مقصود از این عبارت این است که مقامات نفوس مختلف است آنکه در مقام ادنی از وجود مانند جماد حق ندارد که اعتراض نماید خداوند مرا چرا کمالات نباتی ندادی و همچنین نباترا حق اعتراض نه که چرا مرا از کمالات عالم حیوان محروم ساختی و همچنین حیوان را سزاوار نه که از فقدان کمالات انسانی شکایت نماید بلکه جمیع این اشیاء در رتبه خود کاملند و باید تحرّی کمالات در رتبه خویش نمایند ما دون را چنانچه گذشت حق و صلاحیت مقام و کمالات ما فوق نه بلکه باید در رتبه خویش ترقی نماید . و همچنین سکون و حرکت انسان موقوف بتأیید حضرت یزدان است اگر مدد نرسد نه بر خیر مقتدر نه بر شرّ توانا بلکه چون مدد وجود از ربّ جود رسد توانائی بر خیر و شرّ هر دو دارد اما اگر مدد منقطع گردد بکلی عاجز ماند اینست که در کتب مقدّسه ذکر تأیید و توفیق الهیست . مثلاً این مقام مثل کشتی است کشتی را محرک قوه باد و قوه بخار است و اگر این قوت منقطع ابداً حرکت نتواند با وجود این سگان کشتی بهر طرف متمایل قوه بخار کشتی را بآن سمت راند اگر متمایل بشرق بشرق رود و اگر متمایل بغرب بغرب رود این حرکت از کشتی نه بلکه از باد و بخار است . و همچنین جمیع حرکات و سگات انسان مستمداً از مدد رحمان و لکن اختیار خیر و شرّ راجع بانسان . و همچنین پادشاه شخصی را حاکم این شهر نمود و قوه تصرف بخشید و طریق عدل و ظلم بموجب قانون بنمود . حال این حاکم اگر ظلم نماید هر چند بقوت و نفوذ پادشاه مینماید ولی پادشاه از ظلم بیزار است و اگر عدل نماید نیز بنفوذ پادشاه نماید و پادشاه از عدل راضی و خورسند است . مقصود اینست که اختیار خیر و شرّ راجع بانسان و در هر صورت موقوف بمدد وجودی از پروردگار سلطنت الهی عظیم است و کلّ در ید قدرت اسیر بنده باراده خود توانائی بر امری ندارد پروردگار مقتدر و تواناست و مدد بخش جمیع کائنات این مسأله توضیح شد و مشروح گشت و السلام .